



نقد زبانی ترجمه رمان فارسی به عربی با تکیه بر «أناه»

ترجمه رمان «من او» از رضا امیرخانی

علی قازان(*)

د. بهاء‌الدین اسکندری(**)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۴/۳/۲۹

تاریخ قبول: ۲۰۲۴/۵/۳۰

چکیده

در سال‌های اخیر ترجمه آثار فارسی -بویژه ادبیات پایداری- به عربی جهشی چشمگیر داشته‌است. این ترجمه‌ها البته فارغ از غث و سمین نیستند و گاه ضعف‌هایی گزنده در آن‌ها مشهودند. این ضعف‌ها منتقدین را برمی‌انگیزد تا با نقدی روشمند به ارزیابی ترجمه‌های عربی از آثار فارسی توجه کنند. پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه الگوی ارزیابی ترجمه رمان با استناد به ابزارهای علمی ارائه دهیم؟ و افزون بر ارائه شاخص‌های ترجمه خوب برای تعیین سطح کیفی ترجمه، چگونه از وضعیت کنونی ترجمه برآورد داشته باشیم و ضعف‌های رایج را تشخیص و ریشه‌یابی کنیم؟ این مقاله با اتکا به الگویی علمی و

(*) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، ایران ali.h.kazan.1982@gmail.com

(**) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول) bahaeddineskandari@gmail.com

روشمند، رمان «من او» از آثار فاخر ادبیات پایداری که تحت عنوان «أناه» به عربی ترجمه شده، مورد ارزیابی قرار داده‌است. رویکرد انتقادی ترجمه در این پژوهش براساس حاکمیت عوامل بر متن است؛ عواملی که متن اثر در چارچوب آنها نگارش می‌یابد و طبق میزان تاثیرگذاری، در سه گروه می‌گنجد: نرم، نیمه‌سخت و سخت. با این حال با توجه به مجال اندک مقاله، «أناه» تنها بر اساس عامل «ساختار زبان» (فعل، جمله‌بندی، صفت، قید،...) از عوامل گروه نرم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. «أناه» با روشی که در پی می‌آید به نقد کشیده می‌شود: گام اول: انتخاب ۳۱ صفحه نمونه؛ گام دوم: تشخیص ایرادهایی دستوری، صرفی و نحوی در بخش‌های فعل، اسم، جمله‌بندی و...؛ گام سوم: ریشه‌یابی ایرادهای ترجمه با استناد به منابع علمی؛ گام چهارم: ارائه راه‌حل ایرادهای ترجمه؛ گام پنجم: تعیین سطح کیفی ترجمه با استناد به فرمول و جدول نمرات. در نتیجه، بررسی «أناه» نشان می‌دهد در بسیاری موارد به نکات ظریف زبانی در متن مبدأ و یا زبان مقصد توجه نشده و این امر به درک معنا و یا انتقال صحیح آن به زبان مقصد آسیب رسانده‌است. این ترجمه در نهایت با نمره ۶،۶۷- بر اساس معیارهای ارزیابی علمی نمره قابل قبولی نگرفت. **واژگان کلیدی:** ارزیابی ترجمه عربی، رمان من او، رضا امیرخانی، ادبیات پایداری

۱. مقدمه

تعامل میان ملت‌ها از ضروریات زندگی بشر و ترجمه داشته‌های علمی، فرهنگی و ادبی از زبانی به زبانی دیگر از مهم‌ترین جلوه‌های این تعامل است. تبادل اطلاعات در تمدن بشری امروز در رأس اولویت‌ها و ترجمه، شاهراه عبور اطلاعات میان ملت‌هاست؛ بنابراین اطمینان از سلامت این شاهراه از ضرورت‌های زندگی است. اگر به ترجمه عربی آثار و سخنان رهبران معاصر فکری و سیاسی ایران، کتاب‌های ادبیات پایداری و متون ادبی کلاسیک همچون اشعار حافظ، مولانا، سنایی و فردوسی نگاهی گذرا بیاندازیم، جای خالی ترجمه‌هایی دقیق و روان را در بسیاری از موارد

احساس خواهیم کرد.

روش کسب اطمینان از عبور سالم اطلاعات میان دو زبان اصطلاحاً «ارزیابی روشمند» نامیده می‌شود و به معنای اعتمادسازی به ترجمه با تکیه بر ابزارهای سنجش علمی است. ابزارهای علمی ارزیابی ترجمه، علاوه بر اعتماد سازی، راه را برای بهبود کیفیت ترجمه می‌گشاید. ارزیابی ترجمه‌های گوناگون، در زمینه‌های مختلف و از مترجمان متعدد به کشف شاخص‌های کیفی می‌انجامد؛ چه ایرادهای شایع ترجمه را روشن کرده، راهکار علمی اصلاح آن را فراهم می‌کند.

۲. پیشینه

تاکنون پژوهشی روی «آناه»، ترجمه عربی رمان «من او»، انجام نشده‌است، ولی کوشش‌های مختلفی از سوی محققین و پژوهشگران در راستای نقد ترجمه‌های عربی از آثار داستانی پارسی (و برعکس) صورت گرفته‌است؛ کوشش‌هایی در قالب مقاله یا پایان‌نامه؛ مقالاتی چون:

۱- بررسی و نقد ترجمه عربی داستان‌های کوتاه جلال‌الدین آل احمد (نمونه موردی «پستچی» و «گلدان چینی»)، حجت رسولی و علیرضا رسول پور، پژوهشنامه نقد ادب عربی، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ه. ش. - شماره ۲، صص ۳۱-۵۴، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲- واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» بر اساس الگوی نظری وینی و داربلنه، از شهریار نیازی، عطیه یوسفی و محمد امیری‌فر، زبان پژوهی، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۳۰، صص ۴۹ - ۷۲، تهران: دانشگاه الزهرا.

۳- نقد ترجمه عربی سمک عیار براساس نظریه نایدا، آرزو پورپزدان‌پناه کرمانی و وصال میمنندی؛ مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۶، صص ۹ - ۳۳، تهران: انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی.

۴- پیاده‌سازی نظریه‌های گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن در ترجمه رمان

از فارسی به عربی (بررسی موردی دو ترجمه از بوف کور)، علی بشیری، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹ شماره ۲۲، صص ۱۷۳ - ۲۰۴، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۵- نقد ترجمه عربی عادل عبد المنعم سویلم از رمان «مدیر مدرسه» در پرتوی نظریه وینه و دارلینه، علی اکبر نورسیده و مسعود سلمانی حقیقی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی - دوره ۱۱، شماره ۲۴، فروردین ۱۴۰۰، صص ۲۷۱-۲۹۸، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۶- دراسة أساليب التكافؤ في ترجمة محمد حزبائيزاده من رواية «حين تركنا الجسر» على أساس نظرية جوزيف مالون ۱۹۸۸م، علی اکبر نورسیده و دیگران، مجلة دراسات في اللغة العربية وآدابها، سال سیزدهم، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش. ۲۰۲۳م. صص ۱۹۵-۲۱۸، سمنان - ایران: دانشگاه سمنان.

۷- پایان نامه کارشناسی ارشد: نقد ترجمه خدیو جم از الایام طه حسین بر اساس نظریه گارسس (مطالعه موردی سطح نحوی-واژه ساختی) میلاد کریمی، پاییز ۱۴۰۱، گروه زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اراک.

۸- رساله دکتری: بررسی و تحلیل مقایسه‌ای برابرنده‌های حروف در ترجمه از فارسی به عربی و از عربی به فارسی (در آثار منتخب مترجم) امینه بربار، مرداد ۱۳۹۹، گروه زبان و ادبیات فارسی ویژه غیر فارسی زبانان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

این پژوهش‌ها با تمامی زحماتی که کشیده شده و با تمامی نکات مثبتی که دارند، دچار کاستی‌هایی نیز هستند؛ از جمله:

۱. نظریات ترجمه مورد استناد پژوهش‌ها، در بستری دور از متون برگردان شده میان عربی و فارسی، نشأت گرفته و غالباً آزمودن نظریه‌های متنوع یا سنجشی از سطح انطباق آن‌ها بر ترجمه‌ها بوده‌است؛ بنابراین در کشف

آسیب‌های کنونی ترجمه فارسی به عربی و رفع آنها، نقشی کم‌رنگ‌تر دارد. استناد به این نظریات در پژوهش‌های بالا، از جمله: «واکاوی بخشی از ترجمه رمان "الشحاذ"» (شماره ۲)، «نقد ترجمه عربی سمک عیار براساس نظریه نایدا» (شماره ۳) و «پیاده‌سازی نظریه‌های گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن در ترجمه رمان از فارسی به عربی» (شماره ۴) و «بررسی و تحلیل مقایسه‌ای برابرنهاده‌های حروف در ترجمه از فارسی به عربی و از عربی به فارسی» (شماره ۸)، مشهود است.

۲. پیشنهادهای برخی پژوهشگران برای اصلاح ترجمه، خود اشتباهاتی داشته‌اند؛ مانند: «بطاقتة الهوية؛ أجور المنازل؛ إلی تحت العینین» به جای «بطاقتة هویته؛ إیجارات المنازل؛ إلی ما تحت العینین» چنانکه در مقاله «بررسی و نقد ترجمه عربی داستان‌های کوتاه جلال الدین آل احمد» (شماره ۱ پیشینه) ملاحظه شده است (رسولی، ۱۳۹۰ ه. ش، ص ۳۹).

۳. رساله دکتری امینه بربار «بررسی و تحلیل مقایسه‌ای برابرنهاده‌های حروف در ترجمه» (شماره ۸) به جزئیات ترجمه حروف و معادل آن‌ها و بررسی ترجمه حروف رمان‌ها از فارسی به عربی و بالعکس پرداخته است و ترجمه افعالی را که حروف در معانی آنها دخیل است، بررسی کرده است، که کاری بسیار ستوده است. البته رسیدن به یک روشی روشن برای ارزیابی ترجمه حروف گامی فراتر است، هرچندکه مطالب رساله می‌تواند نقش بزرگی در پردازش آن ایفا کند.

۴. تکرار مکررات در شرح کلیات نظری ترجمه در حجم زیاد به جای تمرکز روی اصل موضوع چنانکه در «واکاوی بخشی از ترجمه رمان «الشحاذ» بر اساس الگوی نظری وینی و داربلنه» (شماره ۲) و پژوهش‌های دیگر پیشینه دیده شده است.

۵. عدم اعتنا به ریشه‌یابی آسیب‌های ترجمه (غالب پژوهش‌های پیشینه به جز

شماره ٨ «بررسی و تحلیل مقایسه‌ای برابرنهادهای حروف در ترجمه».)
 ٦. فقر نمونه از سویی و عدم ارائه روشی مشخص برای آمارگیری و نحوه انتخاب
 نمونه از سویی دیگر (غالب پژوهش‌های پیشینه به جز شماره ٨).

٣. کلیات و مفاهیم

نقد زبانی ترجمه رمان‌های فارسی به عربی می‌بایست متکی به روشی علمی باشد تا در نهایت بتواند به صورت ارزیابی روشمند و قابل استنادی عرضه گردد. نویسندگان این مقال، مقاله «ارزیابی روشمند متون ترجمه شده از عربی به فارسی» از عبد الحسین فقهی و حافظ نصیری مبنایی قابل ارزش یافتند، مقاله‌ای که کوشیده است پیشنهادهای شایسته‌ای برای ارزیابی علمی و روشمند ارائه دهد. از مطالب مقاله به تفصیلی که در روش ارزیابی (بخش ٤ مقاله) آمده، بهره برده‌ایم، هرچند به نظر می‌رسد مقاله مذکور مبنایی یا تقسیم‌بندی‌ای که جامع تمامی گونه‌های ایرادهای ترجمه باشد، ارائه نداده‌است. با توجه به این کاستی، در این مقاله به این مسئله (تقسیم‌بندی جامع گونه‌های ایرادهای ترجمه؛ بخش ٣-١) و سپس به مبنای تقسیم‌بندی عوامل ارزیابی که میزان حاکمیت عامل ارزیابی بر متن است (بخش ٣-٢: رویکرد ارزیابی)، پرداخته‌ایم. شایان ذکر است که مطالب مرتبط با تقسیم‌بندی ایرادهای ترجمه و عوامل ارزیابی در پژوهش‌های دیگر دیده نشده‌است.

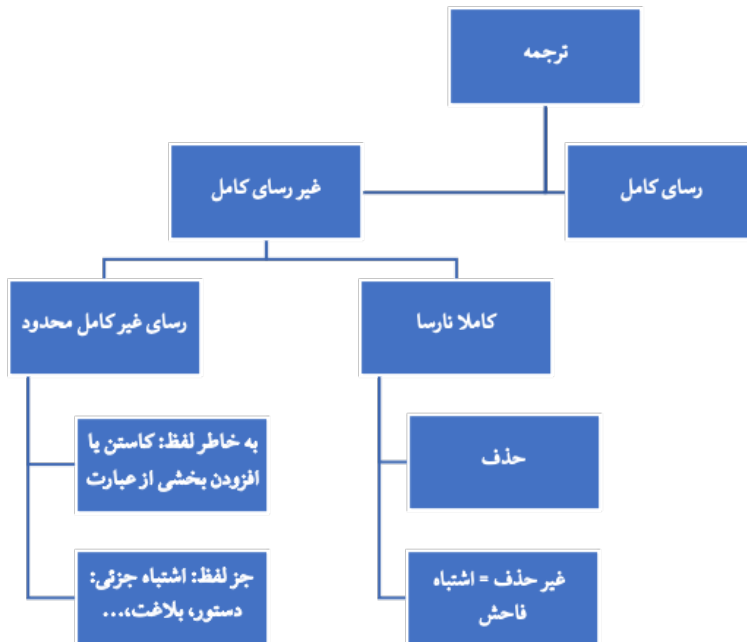
١/٣. مبنای عقلی تقسیم‌بندی ایرادهای ترجمه

ترجمه کامل عبارت است از انتقال تمام معنای متن مبدأ به متن مقصد با استفاده از شبیه‌ترین بیان به مبدأ در ابعاد مختلف آن. برای ارزیابی ترجمه به تفکیک و بازشناسی سطوح انتقال معنا نیازمندیم و تقسیم‌بندی عقلی دوگانه [ثُنایی] روشی است که می‌تواند این نیاز را برطرف کند.

این روش تقسیم‌بندی دَوْرانی است بین نفی و اثبات. با توجه به اینکه نفی و

اثبات نقیض یکدیگرند، ارتفاعشان باهم محال است و بنابراین در این تقسیم‌بندی قسم سوم وجود نخواهد داشت. از این نمونه است حیات و عدم حیات انسان که حالت سوم در این میان متصور نیست. بنابراین تقسیم، حاصر و جامع افراد خواهد بود و مانع اغیار. علاوه بر آن، یکی از ویژگی‌های مهم این روش تقسیم‌بندی منطقی در برداشتن تمام اجزای کل است (کل = تقسیم‌شونده). (مظفر، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۲۹۹-۳۰۱).

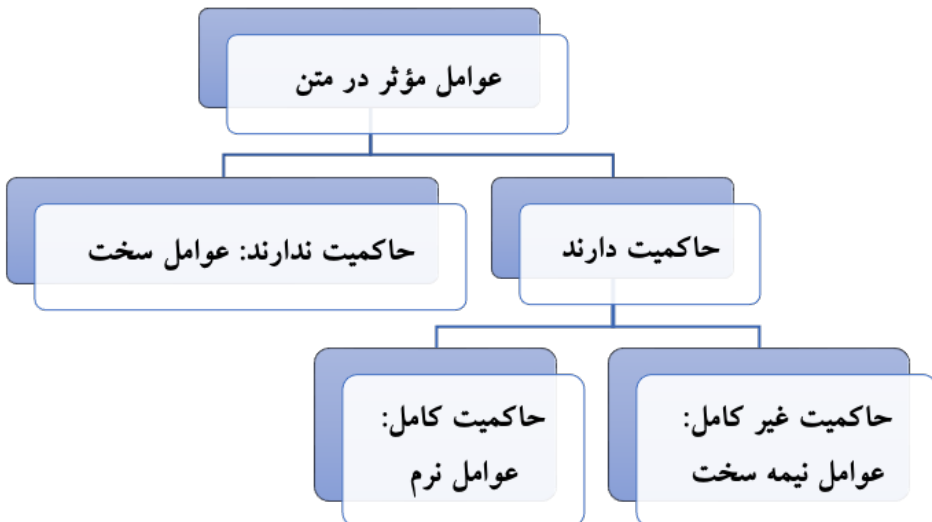
ترجمه‌ای که معنا را آنگونه که باید انتقال می‌دهد، اصطلاحاً «رسا» می‌نامیم و تقسیم‌بندی دوگانه در تفکیک سطوح انتقال معنا بدین شرح خواهد بود: ترجمه یا کامل است یا خیر (غیر کامل). ترجمه غیر کامل یا کاملاً نارسا است یا رسایی ناقص دارد. نارسایی کامل یا برخاسته از حذف کامل متن است (کاستن) یا خیر (= به دلیل اشتباه فاحش). رسای محدود یا به خاطر لفظ است یا خیر (به خاطر لفظ نیست = مربوط به: دستور، بلاغت، ...):



٢/٣. رویکرد ارزیابی

در این مقاله مراد از رویکرد ارزیابی، بررسی عوامل تاثیرگذار در ترجمه بر اساس درجه حاکمیت آنها بر اثر مبدأ و مقصد است. منظور از «حاکمیت» چارچوبی است که اثر در محدوده آن نگارش می‌یابد. در سطح اول، عواملی داریم که حاکمیت گسترده یا کامل بر متن دارند و اصطلاحاً عوامل نرم نامیده می‌شوند. در سطح دوم، عواملی که حاکمیت آنها بر اثر به ابزارهای ویژه نیاز دارد، اصطلاحاً عوامل نیمه سخت نامیده خواهند شد. در سطح سوم عواملی وجود دارند که اصطلاحاً عوامل سخت نامیده می‌شوند، عواملی بر اثر حاکمیت ندارند و با پذیرفتن حاکمیت دو دسته سابق از عوامل، معنای مورد نظر را می‌رسانند و عموماً کاربرد کاملاً ابزاری دارند. اصطلاحات «نرم، نیمه‌سخت و سخت» از علوم سیاسی الهام شده‌است و برای تفصیل بیشتر می‌توان به مقاله «بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه سخت، نیمه‌سخت و نرم» رجوع کرد (نائینی، ۱۳۸۹هـ. ش، ص ۱۵۷ - ۱۷۷).

تقسیم‌بندی دوگانه (ثنایی) عوامل در این رویکرد به این صورت قابل اجرا است:



۱/۲/۳. گروه اول: عوامل نرم

در نقد ترجمه باید توجه داشت که می‌توان از دو منظر به متن مقصد نگریست: **ألف) سبک متن:** یکی از ظرافت‌های ترجمه توجه به سبک متن مبدأ است و انتخاب سبکی متناسب با آن در زبان مقصد؛ به عنوان نمونه ترجمه گلستان سعدی با انتقال کامل و رسای معنا به زبان معمولی عربی خیانت به ترجمه است و مخاطب عرب به هیچ وجه در این ترجمه زیبایی‌ها و ظرافت‌های بلاغی و زبانی گلستان سعدی را درک نخواهد کرد.

ب) ساختار زبان: مقصود از ساختار زبان امکانات صرفی و نحوی و دستوری زبان است.

۲/۲/۳. گروه دوم: عوامل نیمه سخت

در این بخش عواملی بررسی می‌شوند که حاکمیت گسترده آنها بر متن به وسیله ابزارهایی ویژه صورت می‌گیرد و به شکل‌گیری ترجمه‌ای روان و منسجم با مراعات عناصر فرهنگی در مبدأ و مقصد منجر می‌شود. آشنایی گوینده یا نگارنده با کاربرد عبارتها و واژگان در موقعیت‌های مختلف و فراتر از معانی قاموسی، نقش اساسی دارد. در این گروه، عوامل زیر مد نظر خواهند بود:

ألف) روانی ترجمه: به عواملی فرعی اشاره دارد که به‌کارگیری آنها، به متن انسجام و پیوستگی می‌بخشد، بطوریکه شنیدن یا خواندن آن عموماً در خواننده یا شنونده اهل زبان، احساس بیگانگی یا گسستگی ایجاد نکند. دستیابی به ترجمه‌ای روان وابسته است به رعایت نکاتی گوناگون؛ از جمله: به‌کارگیری درست ارتباط دهنده‌ها (حروف عطف، استثنا، ادوات شرط،...):

۱- **فرهنگ زبان:** این عامل به گونه‌ای از بیان اشاره دارد که اهل زبان آن را با واژگانی یا عباراتی فراتر از معنای وضعی یا قاموسی به کار می‌برند. در بررسی این عامل باید به بار معنایی مثبت یا منفی واژگان توجه کرد و

واژگان مترادف را از همدیگر بازشناخت. مترجم همچنین باید تا حدودی با کنایات، ضرب‌المثل‌ها، عبارات کلیشه‌ای و... که بین مردم رواج دارد و گاهی در منابع علمی یا لغتنامه‌ها درج نمی‌شود، آشنا باشد.

٣/٢/٣. گروه سوم: عوامل سخت

حاکمیت این گروه از عوامل بر متن صفر است و تنها جنبه ابزاری دارند و نویسنده یا مترجم باید براساس عوامل نرم و نیمه‌سخت از آنها بهره بجوید. این عوامل در سطح واژه، ترکیب یا هر دو با هم، ضمن عوامل فرعی زیر بررسی می‌شوند:

الف) **افزودن و کاستن متن:** افزودن، عبارت است از آوردن عبارات یا واژگانی که در متن مبدأ (فارسی) نیامده است و شامل اطناب نامطلوب در ترجمه می‌شود. کاستن، عبارت است از افتادن واژگان متن مبدأ از ترجمه به زبان مقصد. البته گاه ممکن است کاستن و افزودن، به تغییر در سبک متن منجر شود که در جای خود بررسی می‌گردد.

ب) **معادل‌گزینی واژه:** در سطح واژگان باید به انتخاب معادل درست و مناسب با توجه به وسعت، شدت و بار معنایی واژه توجه کرد. اشتراک لفظ، مفاهیم ثانوی، بافت و سیاق، پشتوانه فرهنگی و منطقه‌ای و معانی اصطلاحی، از جمله چالش‌هایی است که مترجم با آن روبرو می‌شود.

ج) **ضبط اعلام:** به طور کلی مترجم نباید به اعلام دست برد و آنها را تغییر دهد. او باید تلاش کند آنها را همانطور که در زبان مبدأ هست در متن ترجمه بیاورد. البته در مواردی که علم در زبان مقصد به صورتی دیگر رایج باشد باید آن را به همان صورت به کار برد، به عنوان نمونه: اتریش = النمسا.

د) **برابری ترکیب:** ترکیب، سخنی است از دو کلمه یا بیشتر که بین اجزای آن ارتباطی ناگسستنی وجود دارد بطوریکه دریافت معنای ترکیب وابسته به پیوند میان اجزای آن باشد. در سطح ترکیب، ترجمه بر اساس برابر انتخاب شده مورد

ارزیابی قرار می‌گیرد که مستلزم تعیین دقیق واحد ترجمه (ترکیب وصفی، اضافی، ارکان جمله...)، توجه به نقش همنشینی و همایندی واژگان و کاربرد دقیق حروف در ترکیب و... است.

۴. روش ارزیابی

نقد و بررسی ترجمه‌های رمان‌های فارسی به عربی از منظر زبانی باید بر اساس ارزیابی روشمند صورت بگیرد و رویکرد مقاله بر اساس عوامل سه‌گانه نرم، نیمه‌سخت و سخت است. شایان ذکر است که انتخاب عناوین کلی ارزیابی ترجمه و بخشی از عناوین فرعی، مانند: «سبک متن، ساختار زبان، معادل‌گزینی...» به پیروی از مقاله «ارزیابی روشمند متون ترجمه شده از عربی به فارسی» عبد الحسین فقهی و حافظ نصیری بوده‌است.

ارزیابی ترجمه به صورت مقایسه کلمه به کلمه با متن مبدأ مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار است و پیشنهاد می‌شود ۱۵ صفحه از هر ۲۰۰ صفحه کتاب به صورت تصادفی انتخاب و بررسی شود (فقهی و نصیری، ۱۳۸۹ ه. ش، ص ۷۷). در بررسی «أناه» ترجمه رمان «من او» ۳۱ صفحه در شش نمونه از ۳۶۱ صفحه متن عربی، برای ارزیابی انتخاب شده‌است و در انتخاب نمونه‌ها کوشش شده‌است مواردی انتخاب شوند که مخاطب مقاله برای فهم آنها نیازی به رجوع به اصل رمان نداشته باشد.

۳/۴ معیارهای داوری

ذکر مقادیر کمی در ارزیابی علمی ترجمه یک اثر ضروری است؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد خطاها براساس اهمیت هر عاملی محاسبه شود. قابل ذکر است که در این رویکرد تنها به نکات منفی و نقایص ترجمه توجه می‌شود و برای این کاستی‌ها نمره منفی ملاحظه می‌شود:

امتياز	نوع
٣-	ایراد نرم
٢-	ایراد نیمه سخت
١-	ایراد سخت

امتياز منفی کمتر ترجمه به معنای بهتر بودن آن است و در مجموع ترجمه طبق این فرمول داوری می‌شود:

تعداد امتیاز منفی ÷ تعداد صفحات = درجه کیفی ترجمه

کمتر از ٠,٥-	عالی
کمتر از ١-	خیلی خوب
١- تا ٢-	خوب
٢- تا ٤-	متوسط
٤- تا ٦-	قابل قبول
٦- به بالا	غیر قابل قبول

باید توجه کرد که خطاهای تکراری (مانند ترجمه اشتباه یک واژه) تنها یک خطا محسوب خواهند شد. شایان ذکر است که در این مقاله با توجه به حجم محدود آن، تنها به ارزیابی ترجمه به لحاظ عامل ساختار زبان از گروه عوامل نرم توجه خواهد شد و امتیاز منفی و درجه کیفی رمان با توجه به همین عامل محاسبه خواهد گردید.

٥. رمان «من او» از رضا امیر خانی

رمان «من او» از رضا امیرخانی، از نظر برخی پژوهشگران، از رمان‌های زیبای رئالیسم جادویی فارسی است و با رویکرد اعتقادی اصیل و عرفانی نوشته شده است، بطوریکه در آن کوشش شده ساختارهای قانونمند رمان شکسته شود و طرحی نو و متعالی ارائه شود (حجازی، ١٣٩٤ ه. ش، ص ٨٣). انتخاب ترجمه این اثر داستانی

برای بررسی، متأثر از عواملی است؛ از جمله:

۱. در میان آثار ادبی، رمان یکی از محبوبترین و مقبولترین ژانرهای ادبی است؛
۲. ترجمه ادبیات پایداری زبان فارسی به زبان عربی بخصوص در لبنان اقبال ویژه‌ای یافته‌است.

محمد جواد علی و عقیل خورشیا رمان «من او» را به عربی ترجمه کرده‌اند و «دار المعارف الحکمیة» بیروت آن را با عنوان «أناه» سال ۲۰۱۷م. منتشر کرده‌است.

۱/۵. وجه نامگذاری رمان

این «داستان، دو راوی دارد که یک در میان و با عنوان‌های «من» و «او» قصه را پیش می‌برند. «من»، که در پایان داستان به هویتش پی می‌بریم، داستان را سوم شخص تعریف می‌کند و دیدی عمومی‌تر نسبت به پیش‌آمدها دارد و «او»، از همان فصل «یک او» همان علی است که به صورت اول شخص، داستان را پیش می‌برد.» (حجازی و باقری، ۱۳۹۳ه. ش، ص ۵۶).

۲/۵. خلاصه «من او»

"من او"، روایت زندگی و عشق علی، تنها وارث خانواده فتاح، از سرشناس‌ترین خانواده‌های خانی‌آباد تهران قدیم است. عشقی عمیق و بی‌وصال به مهتاب، دختر نوکر خانواده. بخش نخست داستان در تهران قدیم، تصویرگر کودکی و نوجوانی علی و مهتاب است. بخش دوم در پاریس روایت می‌شود، شهری که مریم (خواهر علی) و مهتاب برای رهایی از کشف حجاب و یادگیری نقاشی به آن سفر می‌کنند. علی نیز که پس از مرگ کریم (برادر مهتاب و صمیمی‌ترین دوستش) دیگر تنهای تنها شده، پس از مدتی به آنها می‌پیوندد. بخش پایانی داستان به بازگشت از فرانسه و تهران سال‌های جنگ اختصاص دارد. علی در پاریس در مقابل تلاش مداوم مهتاب برای ازدواج پایداری می‌کند، تا به قولی که در نوجوانی به «درویش مصطفی» مبنی بر انتظار برای زمان مناسب وصال داده، عمل کند.

سرانجام در شبی از شب‌های سال ۶۷ (در شصت سالگی)، درویش مصطفی اجازه ازدواجش با مهتاب را می‌دهد؛ اما علی فردای آن روز با اجساد مریم و مهتاب و آپارتمان ویران شده از موشک‌باران روبه‌رو می‌شود. در پایان، علی فتاح پس از وقف اموال خانواده، روزی در مراسم تشییع چند شهید گمنام در بهشت زهرا در غسل‌خانه جان می‌سپارد، به جای یک شهید غسل داده شده، در قطعه شهدا به خاک سپرده می‌شود تا به این ترتیب علی و مهتاب هر دو مصداق «من عشق فحف ثم مات مات شهيدا» شوند (غنی، ۱۳۹۴ ه. ش، ص ۶۴).

۶. ارزیابی ترجمه براساس عامل نرم: ساختار زبان (با نمونه)

همچنان‌که پیشتر اشاره شد از آنجا که بررسی ترجمه رمان «من او» با عنایت به تمامی عوامل یادشده در یک مقاله شدنی نیست و مستلزم حجمی از مطالب فراتر از حجم مقالات علمی-پژوهشی خواهد بود، در این مقاله ترجمه مذکور تنها از منظر عامل «ساختار زبان» بررسی خواهد شد.

۱/۶. بخش اول: فعل

۱/۱/۶. زمان فعل

در این قسمت به زمان نامناسب فعل ترجمه اشاره شده است با ذکر زمانی که مترجم باید آن را انتخاب می‌کرد. به عنوان مثال در نمونه اول مترجم مضارع را به جای ماضی ناقص استفاده کرده است.

نمونه اول: مضارع به جای ماضی ناقص

من او	ص: خود خیابان خانی‌آباد از بالای ساخلوی قزاق‌ها شروع می‌شد [ماضی استمراری] و تا باغ معیرالممالک ادامه داشت
أناه	ص: یبدأ [مضارع] شارع خانی‌آباد من «مقر القزاقیین»، و یستمر حتی بستان «معیر الممالک»
پیشنهاد	...کان یمتد [ماضی ناقص] من... حتی...

در این مورد واژه «یمتد» معادل بهتر «شروع و ادامه» به شمار می‌رود؛ اما در باب زمان فعل، از آنجا که نویسنده از خیابانی سخن می‌گوید که دور نیست که امروز دگرگون شده باشد، دقت در زمان فعل ضرورت می‌یابد. استفاده از مضارع در اینجا کاربردی نابجاست و صحیح بهره بردن از ماضی ناقص است. (درباره ماضی ناقص رجوع شود به: طیبیان، ۱۳۹۱ ه. ش، ص ۱۳)

نمونه دوم: مضارع مجزوم به جای مضارع ناقص منفی

من او	ص ۱۹۶: علی نمی‌فهمید [ماضی استمراری] آن‌ها چه می‌گویند.
أناه	ص ۱۴۵: لم يفهم [مضارع مجزوم] علي ما يقولون...

مضارع مجزوم به تنهایی معادل ماضی ساده است نه استمراری و برای اینکه استمرار را نشان دهد به فعل ناقص نیاز دارد. برای این مقصود استفاده از فعل ناقص به دو صورت امکان دارد: ۱- فعل مضارع ناقص پس از ادات جزم: «لم یکن علی يفهم...»؛ ۲- فعل ماضی ناقص در جمله مفعول: «لم يفهم علي ما كانوا يقولون».

نمونه سوم: مضارع به جای ماضی اکمل مجهول

من او	ص ۷: تنها جای خیابان خاکی خانی آباد که همیشه آب‌پاشی شده بود [ماضی بعید].
أناه	ص ۷: وهي البقعة الوحيدة التي تُرَشُّ [مضارع] بالماء في ذلك الشارع الترابي.
پیشنهاد	وكان المكان الوحيد الذي يظل مرشوشاً بالماء...

«آب‌پاشی شده بود» فعل ماضی بعید مجهول است و قاعدتاً می‌بایست به جای مضارع به ماضی اکمل مجهول «کان قد رُشَّ» ترجمه می‌شد (برای ماضی اکمل رجوع شود به طیبیان، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۲) ولی در اینجا با توجه به قید «همیشه» معلوم می‌شود که فعل در ماضی، آنی نبوده بلکه فعلی ادامه‌دار که در گذشته شروع شده و تا مدتی ادامه داشته و در گذشته پایان یافته است. بنابراین به نظر می‌رسد الگوی: **کان + یظل + اسم مفعول**، معادل مناسبی باشد.

نمونه چهارم: ماضی ساده به جای ماضی اکمل

من او	ص ٨: هفت کور تازه به سمساری رسیده بودند.
أناه	ص ٨: شرع العميان بالعمل حينما وصلوا لتوهم إلى محل السمسرة
پیشنهاد	كان العميان السبعة قد وصلوا لتوهم إلى دكان السمسار.

در ترجمه، فعل ماضی ساده به کار رفته درحالیکه زمان فعل فارسی ماضی بعید است.

نمونه پنجم: مضارع مجزوم به جای مضارع منفی

من او	ص ٤١٢: شش ماه آزرگار است مریم را می‌گوییم تا برود... اما خودش قبول نمی‌کند [مضارع منفی].
أناه	ص ٢٨٦: نحاول منذ ٦ أشهر أن نقنع مریم للذهاب إلى الخارج لتكمیل تحصیلها الدراسي، لكنها لم توافق [مضارع مجزوم] بعد
پیشنهاد	... لكنّها لا توافق [مضارع منفی] / وهي ترفض [جمله حالیه]

مضارع مجزوم در عربی به معنای ماضی ساده است درحالیکه فعل مضارع فارسی برابر با فعل مضارع عربی است (طیبیان، ١٣٩٣ هـ. ش، ص ١٣) و می‌تواند بر وقوع فعل در زمان حال و استمرار آن دلالت داشته باشد، بنابراین جمله حالیه «و هي ترفض» هم می‌تواند ترجمه مناسبی باشد.

٢/١/٦. تاثیر پذیری از الگوهای ترجمه: فعل قام و تمّ

«قام» و «تمّ» از افعال به اصطلاح «مساعد» یا «کمکی» به شمار می‌رود که استفاده از آنها در زبان معاصر عربی رایج شده است و معمولاً طبق این دو الگو به کار می‌روند که به حسب ظاهر ابتدا از زبان انگلیسی گرفته شده است:

قام: فعل کمکی (مساعد) + اسم + حرف جر + مصدر فعل، مانند: «قامت الحكومة باتخاذ قرار»:

The government has made a decision

تم: فعل کمکی (مساعد) + مصدر فعل، مانند: تمت الموافقة على الطلب:

The request has been approved

پناه بردن به فعل «قام» معمولاً به دلیل فرار از تصریف فعل با ضمایر مختلف و/یا فقر واژگانی است، درحالی‌که دلیل استفاده از فعل «تم» معمولاً فرار از صیغه فعل مجهول است. دو نمونه بالا را می‌بایست بدین صورت نوشت: إتخذت الحكومة القرار - ووفق علی الطلب؛ همچنان که می‌بینید در نمونه اول فعل معلوم است و در نمونه دوم فعل مجهول و هر دو نمونه فرار از تصریف فعل است. برای فقر واژه هم به دو نمونه اکتفا می‌شود: ۱. «قام بعمل عظیم» باید به «أدی عملاً عظیماً» تبدیل شود؛ ۲. «قام بجهدٍ مضمّن» به «بذل جهداً مضمناً». (جمعة، ۲۰۱۹م، ص ۲۱-۲۹)

نمونه اول: «تم + مصدر» به جای فعل معلوم

من او	ص ۷: از کی آباد شد؟
أناه	ص ۷: ومنذ متى تم إعمارها
پیشنهاد	متی عمّرت؟

«تمّ إعمارها» نمونه‌ای از تاثیرپذیری نثر عربی از متون ترجمه‌ای است و باید به جای الگوی «تم + مصدر» از تصریف فعل معلوم «عمّر - إزدهر» بهره جست.

نمونه دوم: «تم + مصدر» به جای مجهول یا اسم مفعول عربی

من او	ص ۲۹۶: گفت: خانم! این دیگ‌ها سفیدگری شده‌اند.
أناه	ص ۲۱۱: سیدی، هذه قدور قد تم جلاؤها سابقاً
پیشنهاد	... هذه القدور مبيضة

«تم جلاؤها»: مترجم به جای استفاده از فعل مجهول عربی مانند: جلیت یا بیّضت، یا اسم مفعول «مبیّض»، از الگوی «تم + مصدر» بهره برده است.

٣/١/٦. مجهول معنایی: عبارت طولانی به جای «فعل معلوم + احدهم»

من او	ص ٥٦٣: روی سینه‌ام سنگ گذاشته بودند.
أناه	ص ٣٤٥: لا أعرف من الذي وضع حجارة سوداء كبيرة جداً فوق صدري
پیشنهاد	وضع أحدهم رخامة على صدري

مجهول معنایی به طور طبیعی در سخنان متداول فارسی‌زبانان دیده می‌شود در عبارت‌هایی مانند: به فروش می‌رسد (به جای فروخته می‌شود) یا به کار بردن فعل سوم شخص جمع (بدون ذکر فاعل مشخص) مانند فلانی را زده‌اند (به جای فلانی زده شده‌است) درحالی‌که مجهول ساختاری نشانه‌دار در زبان فارسی بدین صورت است: صفت مفعولی + فعل کمکی شدن: فرستاده شد (مهرآوران، ۱۴۰۰ هـ. ش، ص ۶۶-۶۷).

در این نمونه مترجم به جای استفاده از «فعل معلوم + احدهم»، که معادل مجهول معنایی است، کوشیده‌است با تطویل کلام مقصود نویسنده را برساند. شرح واژه «أحد» در معجم «اللغة العربية المعاصرة» به این صورت آمده‌است: «إسم عدد بمعنى واحد للغلبة وكثرة الاستعمال، يوافق المعدود في التذكير والتأنيث تركيباً وعطفًا، ولا يحتاج إلى تمييز في حالة الإفراد: ﴿يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ - ﴿فَتَذَكَّرَ إِحْدَهُمَا الْأُخْرَى﴾».

٤/١/٦. ساختن فعل نهی با الگوی: لا الناهیه + فعل مضارع + نون توكید

برای ساختن فعل نهی غائب (سوم شخص) عربی، «لا»ی نهی برسر فعل آورده می‌شود مانند: «لا یکتب» (طیبیان، ۱۳۹۱ هـ. ش، ص ۲۵-۲۶). در نمونه زیر مترجم عبارت طولانی «أرجو أن لا...» را به جای استفاده از الگوی: لا ناهیه + فعل مضارع، آورده‌است.

من او	ص ۱۳: از سفر که می‌آید، ان‌شاءالله به سلامتی، همه‌ی قندها را به حاج امین الضربی‌ها ندهد. خرده‌هایش را به ما بدهد. حق هم‌سایه‌گی یادش نرود»
أناه	ص ۱۱: ... أرجو أن لا يعطي كل السكر ل...
پیشنهاد	لا يعطين كل السكر ل...

با اینکه در عبارت فارسی واژه‌ای دال بر تاکید نیامده است، از گفتگوی «دریانی» با علی درباره برگشت پدر علی از سفر، معلوم می‌شود که روی این امر اصرار داشته است. بنابراین بهتر است نون توکید به الگوی بالا اضافه گردد: لا ناهیه + فعل مضارع + نون توکید = لا يفعلن. (رجوع شود به: شرتونی، ۱۴۲۱هـ ج ۱، ص ۶۸).

۵/۱/۶. فعل ماضی دعایی

یکی از کاربردهای فعل ماضی عربی درخواست تحقق کاری در آینده است: دعا: «وَقَفَّكَ اللَّهُ»، وعده: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾ و امید: ﴿فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِي بِالْفَتْحِ﴾ مائده: ۵۲. (یعقوب، ۱۹۸۸م، ص ۴۹۵).

من او	ص ۸: حق عوضت بده
أناه	ص ۸: ليرزقك الله
پیشنهاد	عَوَّضَ اللَّهُ عَلَيْكَ

هفت کور دعا می‌کنند پولی که مردم به آن‌ها می‌دهند جبران بشود، پس مترجم باید از عبارت «عَوَّضَ اللَّهُ عَلَيْكَ» بهره برد چنانکه در معجم اللغة العربية المعاصرة آمده است: «عَوَّضَهُ اللَّهُ عَنْ خَسَارَتِهِ خَيْرًا». این نکته نیز قابل ذکر است که مترجم به جای «عوض دادن» در ترجمه «رزق» را آورده که در معنا بسیار متفاوتند.

۶/۱/۶. فعل به معنای حال [=قید]

من او	ص ۲۹۵: پیرمرد سفیدگر دست پینه‌بسته‌ی سیاهش را روی سینه گذاشت و جلو آمد. سرش را پایین انداخته بود.
-------	---

أناه	ص ٢١١: وضع النحّاس يده ذات الثفن على صدره احتزاماً لأمي وتقدّم قليلاً، طأطأ رأسه
پیشنهاد	وضع المبيّض الكبير في السنّ يده على صدره وتقدّم مطأطئاً رأسه

فعل ماضی بعید پس از ماضی ساده، با توجه به بافت، ممکن است کاربردی چون حال در زبان عربی را داشته باشد؛ چنانکه در عبارت بالا چنین است: دست ... روی سینه گذاشت و جلو آمد (ماضی ساده) [درحالیکه] سرش را پایین انداخته بود (ماضی بعید)؛ بنابراین بهتر است مترجم به جای آوردن فعل عربی ماضی از «حال» بهره بجوید.

٢/٤. بختلث دوم: طال، السم، صفت و ضمیر

١/٢/٤. حال در قالب جمله فعلیه

من او	ص ٩: کور آخری بلند شد. دولا دولا در حالی که دستانش را روی شانه‌های بقیه می کشید، راه را پیدا کرد و به اول صف آمد.
أناه	ص ٩: نهض الشحاذ الأخير من نهاية الطابور وسار نحو البداية محدودب القامة، تلمس أكتافهم ليتأكد من الطريق،
پیشنهاد	نهض الأعمى الأخير منحنى الظهر يتلمّس أكتاف الباقيين...

«تلمّس» برای بیان حالت فاعل آمده است و بایستی در عربی طبق قواعد دستوری به صورت «حال» آورده شود. در متن فارسی حرف ربط مرگّب «درحالی که» آمده است (احمدی گیوی، ١٣٩٠ هـ. ش، ص ١٧٥) که نشانه‌ای است برای توجه به بیان حالت، توسط جمله فعلیه پس از حرف. طبق نحو زبان عربی وقتی که حال جمله فعلیه باشد و فعل جمله ماضی باشد، بایستی مسبوق به «و قد» شود؛ مانند: «جاءني الرسول و قد طلع الفجر» و اگر فعل جمله مضارع باشد ممکن است بی‌همراهی «قد» بیاید: أقبل الصديق يبشّر القوم (شرتونی ١٢٢١ هـ ج ٤) (قسم النحو)، ص ٢٤٩). البته در ترجمه عبارت محل بحث، بایستی فعل مضارع «یتلمّس»

به کار رود وگرنه جمله مستقل و معطوف بر جمله پیشین خواهد بود و از بیان حالت خارج می‌گردد.

۲/۲/۶. ترتیب صفات

من او	ص ۸: کنار خیابان روی زمین می‌نشستند. هفت کور با هم هیچ فرقی نداشتند. لباس‌هایی ژنده و مندرس، همه یک رنگ؛ خاکستری تیره. معلوم نبود ابتدا چه رنگی بوده‌اند. با تنبان‌های گشاد سیاه که از بس روی زمین نشسته بودند، رنگ خاک گرفته بود.
أناه	ص ۸: جلسوا على الأرض دون أي علامة فارقة تميّز أحدهم عن الآخر، بملابسهم الرثة المندرسّة ذات اللون الرمادي القاتم، والتي يصعب معرفة لونها الحقيقي، وسراويلهم الفضفاضة السوداء، وقد اكتست هي الأخرى باللون الرمادي إثر الجلوس الدائم على الأرض.
پیشنهاد	... عليهم سراويل سوداء واسعة باتت بلون التراب لكثرة جلوسهم على الأرض.

طبق کتاب «Cambridge Grammar of English»، ترتیب صفات در زبان انگلیسی باید به این صورت باشد: نظر (دیدگاه)، حجم، کیف فیزیکی، شکل، سن، رنگ، فعلی، منشأ، جنس، نوع و هدف (Carter, ۲۰۰۶: ۴۵۰). و این جمله به عنوان نمونه آورده شده‌است:

These wonderful, monumental, strong, old, grey, Indian, log-carrying elephants of Northern Thailand...

در کتب نحوی در باب لزوم رعایت ترتیب خاصی در مورد صفات مفرد سخنی نیامده‌است، اما در صورتی که برخی صفات (یا نعوت) مفرد باشند و برخی دیگر شبه جمله و جمله حکایت چیز دیگری است. در کتاب «شرح التسهیل» آمده است که نعت مفرد تقدّم دارد بر شبه جمله، و شبه جمله مقدّم بر جمله است مانند آیه ۲۸ سوره غافر: {وقال رجل مؤمن (مفرد) من آل فرعون (شبه جمله) یکتّم ایمانه (جمله)} (اندلسی، ۱۹۹۰م، ج ۳، ص ۳۲۰). با این حال به نظر می‌رسد بهتر

است در نمونه مذکور، برخلاف زبان انگلیسی، رنگ پیش از اندازه لباس ذکر شود. برخی گفته‌اند که صفت هرچقدر به ذات موصوف نزدیک‌تر باشد تقدیم آن مناسب‌تر خواهد بود. بنابراین به جای عبارت مترجم «وسراويلهم الفضفاضة (اندازه) السوداء (رنگ)» گویا «سراويل سوداء (رنگ) واسعة (اندازه)» مناسب‌تر است.

٣/٢/٤. تکرار صفت به جای آوردن: قید + صفت

در زبان فارسی برای شدت بخشیدن به صفت گاه به جای استفاده از قیودی چون «بسیار، خیلی ...» از تکرار صفت بهره برده می‌شود؛ مانند تند تند به جای خیلی تند (درباره قید مشترک و تکرار صفت رجوع شود به مهرآوران، ۱۴۰۰ ه. ش، ص ۱۱۶-۱۱۸ و ۱۲۹).

من او	ص ۱۰: باب جون فتاح ديروز که از سر کوره می‌آمد، از کنار یخ‌چال حاج‌قلی تا حلبی‌سازی، جلو آوردشان. به قاعده‌ی ده قدم؛ نه قدم معمولی، قدم گشاد گشاد...»
أناه	ص ۹: يوم أمس وأثناء عودة جدي فتاح من قمائن الطابوق أعطاهم الصدقة لينتقلوا من جنب معمل ثلج الحاج قلي إلى معمل الصفيح وقد تقدّموا بذلك عشر خطوات عريضة.
پیشنهاد	... لا خطوات عادية بل كبيرة جداً...»

چنانکه در متن مبدأ ملاحظه می‌شود، عبارت «گشاد گشاد» آمده‌است که به معنای بسیار گشاد است. عدم توجه به این نکته به کم‌رنگ شدن صفت در ترجمه و نیاوردن قید لازم از قبیل «جداً» منجر شده‌است.

٤/٢/٤. به کار بردن صفت و موصوف به جای اسم ذات

من او	ص ۹۳: «می‌شد علی‌جان! من توی جیبم نجاستی بود.» «نجاستی دیگر چیه؟»
أناه	ص ۷۲: «عزيزي علي، لم يكن ذلك ممكناً، فثمة شيء نجس معي، وهذا لا يليق بمكان طاهر.» «ما هو الشيء النجس الذي تحدث عنه؟»

پیشنهاد «لم یکن ذلک مناسباً عزیزِ علی! إذ کان فی جیبی نجاسة.» «أی نجاسة؟»

فارسی‌زبان‌ها معمولاً از واژه نجاست در مورد «عین نجس» (مدفوع، شراب،...) استفاده می‌کنند. مقصود از نجاست در اینجا شراب است، چنانکه در ادامه رمان مشخص می‌شود. در زبان عربی نیز نجاست به همین معنا به کار می‌رود نه چیز آلوده شده به نجاست یعنی «شیء نجس» (موصوف و صفت). مترجم از همین ترکیب به جای «نجاسة» (اسم ذات) به اشتباه استفاده کرده‌است.

۶۲۵. مفعول مطلق معادل جزء غیر فعلی فعل مرکب

من او	ص ۱۱: علی جستی زد و خود را از لبه‌ی پنجره بالا کشید.
أناه	ص ۱۰: قفز علی وصعد من حافة النافذة.
پیشنهاد	قفز علی قفزاً و...

هنگامیکه در متن فارسی فعل مرکبی به کار رود که جزء غیرفعلی آن مصدر مرخم نکره است (جستی)، پیشنهاد می‌شود از «مفعول مطلق» استفاده شود: «قفز قفزاً».

۶/۲/۶. ضمیر مفعولی منفصل

من او	ص ۹: این را تو به او بده
أناه	ص ۹: من الأفضل أن تمنحه له بنفسك
پیشنهاد	أما أنت فأعطه هذه

فعل «منح» دو مفعول می‌گیرد، اما اینجا در عبارت «تمنحه له» یک مفعول آمده‌است که معلوم نیست مرجع آن کدام است (فقیر یا پول) و مترجم از ضمیر مفعولی «ایاه» برای مفعول دوم استفاده نکرده‌است. علاوه بر آن «من الأفضل» اضافی است و در متن فارسی نیامده‌است.

٣/٤. بختش سوم: پسوند و حرف

١/٣/٤. پسوندهای فارسی

یکی از شیوه‌های بسیار پرکاربرد واژه‌سازی در زبان فارسی استفاده از «وندها»ی اشتقاقی است (مهرآوران، ۱۴۰۰ ه. ش، ص ۲۲۹) و آشنایی مترجم با روش‌های واژه‌سازی زبان فارسی باعث می‌شود معنای دقیق واژگان را دریافت کند.

الف) پسوند «اومند»

در زبان فارسی تنومند مرکب است از: تن + اومند (پسوند اتصاف و مالکیت) و این واژه به معنای جسیم و تناور است و مجازاً به معنای صاحب قوت و قدرت به کار می‌رود (رجوع شود به دهخدا و عمید). در این نمونه، مترجم به جای معادل اصلی واژه معنای مجازی را آورده است.

من او	ص ۱۹۶: به یکی از کارگرهای تنومند اشاره کرد
أناه	ص ۱۴۵: أشار إلى أحد العمال الأقوياء
پیشنهاد	أشار إلى أحد العمّال الضخمين

داشتن تن بزرگ به لحاظ مفهوم اعم است از نیرومند یا ناتوان بودن و به نظر می‌رسد بهتر است معادل اصلی واژه آورده، اجازه داده شود خواننده از قراین سیاق کلام به معنای مجازی دست یابد.

ب) پسوند «ی»

من او	ص ۸: داخل گود پر بود از خانه‌های کوچک که هر کدام‌شان به اندازه‌ی یک اتاق خانه‌های اربابی آن سمت خیابان بودند.
أناه	ص ۸: أما على الجهة المخالفة فثمة أماكن منخفضة تضم بيوتاً صغيرة لا تتجاوز مساحتها غرفة من غرف الناس المتمولين.
پیشنهاد	كان هناك منخفض مليء بالبيوت الصغيرة التي كان الواحد منها بحجم غرفة من غرف البيوت الفاخرة الواقعة على الجهة المقابلة من الشارع.

«ی» از تکواژهای بسیار زایا و پرکاربرد است که با معانی گوناگون در ساخت انواع صفت به کار می‌رود، از جمله صفت نسبی. اینجا «خانه‌های اربابی» به «غرف الناس المتمدولین» ترجمه شده است. نکته اول: «خانه‌ها» از ترجمه حذف شده است؛ نکته دوم: ترجمه تحت‌اللفظی است و پسوند «ی» را که در «اربابی» آمده است در نظر نمی‌گیرد.

۲/۳/۶. قد تقلیل

من او	ص ۱۹۴: شاید اگر بزرگ بشوم و بازوهایم کلفت، بتوانم هم‌پای مسعود و محمود، چرخ چاه بگردانم
أناه	ص ۱۴۳: من المحتمل لو أنني كبرت وامتلكت سواعد ضخمة أن أعمل مكان مسعود ومحمود أن أدير عجلة البئر
پیشنهاد	قد أستطيع عندما أكبر و...

به جای «من المحتمل» بهتر است «قد» (به معنای تقلیل) همراه با فعل مضارع استفاده شود.

۳/۳/۶. کاربرد تشبیهی حرف اضافه (کاف تشبیه)

من او	ص ۱۰: کریم حرف علی را قطع کرد: «مثل قدم کسی که توی تنبانش بی‌ادبی کرده باشد...»
أناه	ص ۹: قطع کریم کلام علی: «عشر خطوات عریضة تشبه خطوات من فعلها فی سرواله.»
پیشنهاد	كخطوات من...

بهتر است به جای واژه «تشبه» در عبارت عربی فوق از حرف تشبیه «ک» استفاده شود؛ چون جمله ادامه حرف قبلی است. همچنین برای پرهیز از اطناب می‌توان «ک» را مستقیم به اسم موصول «مَن» پیوند داد.

٤/٣/٦. کاربرد نابجای إذ

من او	ص ١٨٩: مشهدی رحمان هم که اخلاق حاج فتاح را تاب نیاورده بود از بنای آجری دفتر بیرون آمده بود. علی را دید که از حیاط کاروان سرا بیرون آمده.
أناه	ص ١٤٠: كان السيد رحمان قد سئم أخلاق الحاج فتاح وخرج من المکتب، إذ شاهد علیاً يخرج من المربط

واژه «إذ» در این مورد موجب ابهام است چون ارتباط فعل «سئم» و «خرج» و «إذ» واضح نیست. قاعدتا «إذ» باید یکی از این معانی را برساند: ظرفیت، مفعول به، بدل از مفعول به، مضاف الیه، فجائیة، تعلیلیه (خطیب، ٢٠٠٧م، ص ٣٠-٣١) و هیچکدام این معانی با متن فارسی سازگاری ندارد؛ بنابراین در ترجمه آمده «اذ» باید حذف شود.

٥/٣/٦. کسر همزه إن

من او	ص ٤٠٧: کریم گفت که می داند برای چی من این کارها را برای مه تاب می کنم
أناه	ص ٢٨٣: قال کریم أنه يعرف جيداً لماذا أقوم بهذه الأفعال من أجل مهتاب
پیشنهاد	قال کریم إنه يعرف لماذا أفعل هذه الأمور لمهتاب

در عبارت «قال کریم أنه» به جای «إن» از «أن» (با فتح همزه) استفاده شده است، درحالیکه پس از فعل قول «إن» به کار می رود (عقیلی ١٩٨٠م، ج ١، ص ٢٥٣). با اینکه این مورد می تواند غلط چاپی باشد از آنجاکه در عربی معاصر در اینگونه موارد به اشتباه استفاده از «أن» رایج شده است و دور نیست که مترجم محترم نیز گرفتار همین کاربرد غلط شده باشد، خود را ناگزیر از ذکر این نمونه دیدیم.

٤/٤. بخش چهارم: جمله بندی: الگوهای خاص و جایگاه فعل «کان»

١/٤/٦. الگوی «ما أن... حتی»

من او	ص ۸: نفر آخر - هفتمی - تا این را می شنید، بلند می شد
أناه	ص ۸: إذ ما أن يسمعها الأعمى... حتى ينهض
پیشنهاد	كان الأخير - السابع - ينهض بمجرد سماعه هذه الكلمات

در متن ترجمه، چندین بار «أن» به جای «إن» آمده است (صص ۸، ۱۰، ۳۴۵) و به درستی معلوم نیست که غلط چاپی است یا سهو مترجم. ترکیب «ما إن... حتی...» در زبان معاصر عربی رایج است و عبارت است از: «ما النافية + إن». در عربی معاصر به معنای اتفاق ناگهانی یا شرطیت به کار می رود ولی این کاربرد فصیح نیست. این ترکیب در اصل به معنای عدم تحقق یک فعل پیش از فعلی دیگر است و برداشت معاصران از این الگو با برداشت قدما همسو نیست (درباره «إن زائد» رجوع شود به ابن یعیش، ۲۰۰۱م، ج ۵، ص ۶۵):

جمله	ما إن ضربتُ زیداً حتى ضربني
برداشت معاصران	به محض اینکه زید را زدم او مرا زد = من شروع کننده بودم
برداشت قدما	تا زید مرا نزده بود، او را نزدم = زید شروع کننده بود

۲/۴/۶. الگوی «على الرغم من أنه... فقد...»

من او	ص ۱۹۴: هر چند اوایل پاییز بود، اما از آن جایی که آفتاب تندی نبود، روزهای آخر خشت زنی بود.
أناه	ص ۱۴۴: رغم أنها كانت أوائل الخريف ولكن بما أن الشمس لم تكن قوية بما فيه الكفاية فإنها كانت الأيام الأخيرة لقبولة اللبن.
پیشنهاد	وعلى الرغم من أنها كانت أول أيام الخريف، فقد كانت آخر أيام قبولبة اللبن لأن...

مترجم نه با شروع جمله با «رغم» عبارتی فصیح آورده و نه رابطه «رغم» با بخش دوم جمله را رعایت کرده است. در کتاب «الگوهای جمله سازی در زبان عربی» الگو

به این صورت آمده است: «على الرغم من أنه... فقد...» (محسنزاده و معصومی، ۱۴۰۰ هـ. ش، ص ۶۱).

۳/۴/۶. جایگاه فعل ماضی ناقص «کان» در جمله

«کان» فعل ماضی ناقص است که بر جمله اسمیه وارد می شود و قاعدتاً باید در ابتدای جمله قرار بگیرد و مبتداً را به اسم مرفوع خود و خبر را به خبر منصوب خود تبدیل کند (یعقوب، ۱۹۸۸ م، ص ۵۴۲). پس و پیش کردن این اجزا مانند اتفاقی که در متن نمونه مقصد صورت گرفته است می تواند معنا را عوض کند.

من او	ص ۱۹۶: مشهدی رحمان صدای خنده اش به قل قل قلیان می مانست... این نعمت توی قهوه خانه نشسته بوده که می بیند مردم همه دارند فرار می کنند...
أناه	ص ۱۴۵: ضحكة السيد رحمان كانت تشبه صوت فورة الغليون... نعمت هذا كان يجلس في مقهى فرأى الناس يفرون...
پیشنهاد	كانت ضحكة مشهدي رحمان تشبه... كان نعمت هذا جالساً...

آوردن عبارت «ضحكة السيد رحمان» پیش از «كانت» تکیه زبانی بر این عبارت را به خواننده القا می کند و چنین برداشت می شود که نویسنده بر آن است که تنها خنده مشهدی رحمان است که شبیه قل قل قلیان است نه چیزی دیگر؛ بنابراین چنانکه نکته ای از این قبیل در متن مبدأ و به تبع آن در متن مقصد منظور نباشد، باید از جابه جایی ارکان جمله پرهیز کرد.

۵/۴. بخش پنجم: مثنوی و جمع

۱/۵/۴. تثنیه اسم ممدود بر وزن «فعلاء»

من او	ص ۵۵۹: چشم هایش قرمز بود.
أناه	ص ۳۴۲: كانت عيناها حمراوتين
پیشنهاد	كانت عيناها حمراوين

«حمراتین» اشتباه است و طبق قاعده، همزه مثنای اسم ممدود به «واو» قلب می‌گردد؛ بنابراین «حمرء» باید «حمرآوان» باشد در حالت مرفوع و «حمرآوین» در حالت منصوب و مجرور (رجوع شود به: غلایینی ۲۰۰۴م، ص ۱۸۲).

۲/۵/۶. تشبیه و افراد خبر کلا و کلتا

من او	ص ۱۹۰: معلوم نیست چه‌تان شده؟ تو مگر امروز مدرسه نداشتی؟ «داشتم! اما باب جون گفت نروم.» مشهدی رحمان سری تکان داد. به آسمان نگاهی کرد و همان طور که سرش را بالا گرفته بود، انگار با کسی حرفی زده باشد، جواب داد: «معلومات نکرده چرا؟ هر دو خلق‌ها تنگ، گیج، منگ. پسره را آورده این‌جا برای چی؟» بعد سرش را پایین انداخت و دست علی را گرفت.
آناه	ص ۱۴۱: لا أعرف ماذا حصل لكما اليوم، حقاً أليس لديك اليوم دوام مدرسي؟ «نعم ولكن جدي قال لا تذهب.» طأطأ السيد رحمان برأسه ثم نظر إلى السماء، قال وكأنه يكلم أحداً ما: «أم يقل لماذا؟ كلاهما متعكرا المزاج وشاردا الذهن. لماذا أتى بالصبي إلى هنا؟» نكس رأسه وأمسك بيد علي
پیشنهاد	...کلاهما سيء المزاج، شارد، نزق...

در عبارت «کلاکما متعکرا المزاج وشاردا الذهن» ضمیر مخاطب «کما» به کار رفته است با اینکه از متن کاملاً مشخص است که رحمان با خودش حرف می‌زند و از خلق فتاح و علی (سوم شخص) سخن می‌گوید؛ بنابراین باید ضمیر متصل «هما» به کار می‌رفت. مترجم به عنوان خبر «کلاکما» از واژه‌های مثنای «متعکرا» و «شاردا» بهره برده است درحالی‌که ابن هشام در «مغنی اللیب» تصریح می‌کند خبر «کلا» باید مفرد باشد نه مثنی و از جمله «کلاهما قائم» به عنوان شاهد استفاده می‌کند (ابن هشام، ۱۳۷۰هـ. ش، ص ۲۶۹-۲۷۰).

۳/۵/۶. علامت جمع به معنای «امثال...»

علامت جمع «ها» علاوه بر تعداد بیش از یکی، بر مفاهیم: ۱. نمونه و نظیر ۲. حکم کلی و تکرار و ۳. تأکید دلالت دارد (مهرآوران، ۱۴۰۰هـ. ش، ص ۸۴).

من او	ص ١٣: همی قندها را به حاج امین الضربی‌ها ندهد
أناه	ص ١١: أرجو أن لا يعطي كل السكر للتجار من آل أمين الضرب
پیشنهاد	لا يعطين كل السكر لأمثال الحاج أمين الضربي

به نظر می‌رسد علامت جمع «ها» در این نمونه به معنای «امثال...» به کار رفته‌است. مترجم به این نکته توجه نداشته و «حاج امین الضربی‌ها» را به معنای خانواده یا طایفه حاج امین الضربی گرفته و یای آخر اسم علم را حذف کرده‌است.

٧. آمار ایرادهای ساختار زبان

١/٧. جدول آمار ایرادهای ترجمه بر اساس نمونه

نوع ایراد	نمونه اول	نمونه دوم	نمونه سوم	نمونه چهارم	نمونه پنجم	نمونه ششم	مجموع
«أناه» صفحات	١١-٧	٧٥-٧١	١٤٥-١٣٩	٢١٥-٢١١	٢٨٦-٢٨١	٢٤٦-٣٤١	ص ٣١
حذف و تقدیر	٢	-	-	-	-	-	٢
صرف فعل	١	١	-	١	-	١	٤
زمان فعل	١٦	٢	٦	١	١	٢	٢٨
شناسه و مرجع ضمیر	٢	-	١	-	٢	-	٥
صفت	٢	-	-	-	-	-	٢
کاربرد فعل	١	-	-	-	١	-	٢
جمله بندی	٢	-	٢	-	-	٢	٦
پسوند	١	-	١	-	-	-	٢
یای نسبت	-	١	-	-	-	-	١
حال	١	-	-	١	-	-	٢

نوع ایراد	نمونه اول	نمونه دوم	نمونه سوم	نمونه چهارم	نمونه پنجم	نمونه ششم	مجموع
ضمیر مفعولی	۱	-	-	-	-	-	۱
حرف اضافه	۱	-	-	-	-	-	۱
مفعول مطلق	۱	-	-	-	-	-	۱
افراد، تشبیه و جمع	۱	-	-	۴	-	۱	۶
لا الناهیه	۲	-	-	-	-	-	۲
حروف شرط	۱	-	-	-	-	-	۱
اسم ذات	-	۱	-	-	-	-	۱
کاربرد إذ	-	-	۱	-	-	-	۱
قد تقلیل	-	-	۱	-	-	-	۱
کسره همزه «إن»	-	-	-	-	۱	-	۱
مجموع	۳۵	۵	۱۵	۳	۵	۶	۷۰

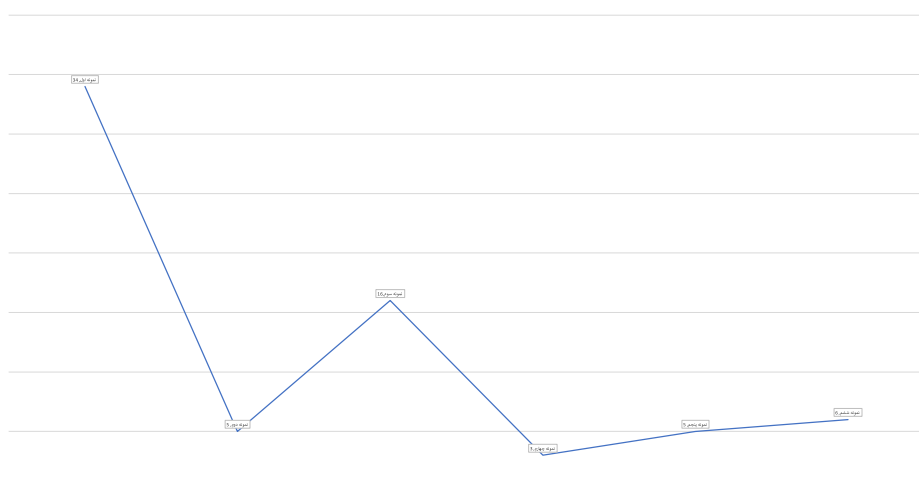
۲/۷. جدول آمار ایرادهای بخش فعل

تعداد	نوع (صفحات «أناه»)	ایرادهای فعل
۶	مبدأ: ماضی استمراری، مقصد: مضارع (صص ۷، ۸، ۱۰)	زمان فعل
۷	مبدأ: ماضی استمراری، مقصد: ماضی ساده (صص ۸، ۹، ۱۴۳)	
۱	مبدأ: ماضی استمراری، مقصد: مضارع مجزوم (ص ۱۴۴)	

تعداد	نوع (صفحات «أناه»)	ايرادهای فعل
١	مبدأ: ماضى استمرارى، مقصد: ماضى ناقص (استمرارى) (ص١٤٥)	
١	مبدأ: ماضى بعيد، مقصد: مضارع (ص٧)	
٤	مبدأ: ماضى بعيد، مقصد: ماضى ساده (ص٨، ١٠، ٧٣، ٣٤٢)	
١	مبدأ: ماضى بعيد، مقصد: ماضى ناقص (استمرارى) (ص١٤٥)	
١	مبدأ: ماضى بعيد، مقصد: مصدر (ص٣٤١)	
٢	مبدأ: ماضى ساده، مقصد: مضارع (ص٩، ١٠)	
١	مبدأ: ماضى ساده، مقصد: ماضى ناقص (استمرارى) (ص٧٥)	
٢	مبدأ: مضارع، مقصد: ماضى (ص١٤٠، ٢١٥)	
١	مبدأ: مضارع منفى، مقصد: مضارع مجزوم (ص٢٨٥)	
مجموع: ٢٨		
١	ماضى دعايى (ص٨)	كاربرد فعل
١	مضارع منفى به معنای نهى (ص٢٨٢)	
مجموع: ٢		
٢	تأثيرپذيرى از الگوی ترجمه: (تمّ + مصدر) (ص٧، ٢١١)	صرف فعل
١	لزوم و تعدى (ص٧٣)	
١	مجهول ساختارى يا معنایى (احدهم) (ص٣٤٥)	
مجموع: ٤		

تعداد	نوع (صفحات «أناه»)	ایرادهای فعل
۲	لا الناهیه + فعل مضارع: ۲ (ص ۱۱)	فعل نهی
مجموع: ۲		

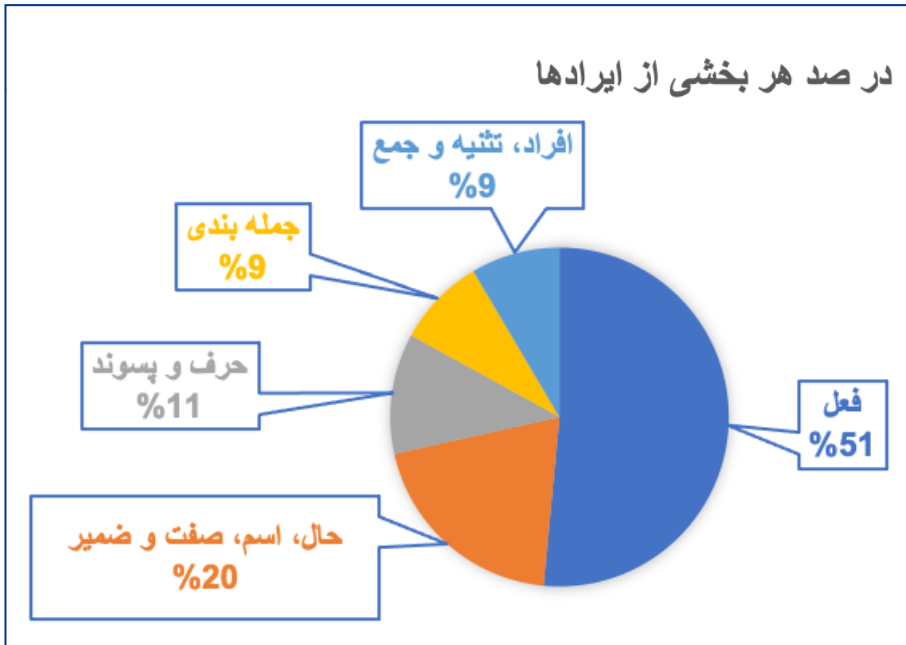
۳/۷. نمودار خطی ایرادهای ساختار زبان



۸. نتیجه‌گیری

رویکرد ارزیابی ترجمه در این مقاله براساس حاکمیت عوامل بر متن شکل یافته‌است. این عوامل به سه گروه نرم، نیمه‌سخت و سخت تقسیم می‌شوند اما در این مقاله با توجه به فرصت کوتاه آن، تنها به عامل ساختار زبان از گروه عوامل نرم توجه شده‌است. پس از بررسی نمونه‌های ترجمه رمان «من او» مشخص شد که ایرادهای ترجمه این رمان هم مربوط به ساختارهایی از زبان مبدأ است و هم ساختارهایی از زبان مقصد. ایرادهای برخاسته از عدم درک صحیح زبان مبدأ، به علت عدم توجه مترجم به نکات دستوری زبان فارسی بوده‌است. ایرادهایی

نیز بوده‌اند که از عدم درک درست ساختار زبان مقصد ناشی شده‌است و مترجم گاه علی‌رغم فهم صحیح زبان مبدأ از آوردن معادل مناسب در زبان مقصد ناتوان مانده‌است. ایرادهای عامل نرم ساختار زبان در «آناه» در این بررسی بر ۷۰ خطا با امتیاز منفی ۲۱۰ بالغ شده‌است و بر این اساس، درجه کیفی این ترجمه ۶,۷۷- خواهد شد: $۲۱۰ - ۶,۷۷ = ۳۱$ صفحه نمونه و لذا این ترجمه، ترجمه‌ای غیر قابل قبول به شمار می‌رود. ناگفته نماند که بیشترین آمار ایرادهای ساختار زبان مربوط به بخش فعل بویژه زمان فعل بوده‌است:



۹. منابع

عربی:

- قرآن کریم

۱. ابن هشام انصاری، جمال الدین (۱۳۷۰هـ. ش)، مغنی اللیب، ط ۲، بی‌جا: گلستانه.
۲. ابن یعیش (۲۰۰۱م)، شرح المفصل للزمخشری، مقدمه و تعلیقات: امیل بدیع یعقوب، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. امیرخانی، رضا (۲۰۱۷م)، أناه، المترجم: محمد جواد علی و عقیل خورشیا، ط ۱، بیروت: المعارف الحکمیة.
۴. اندلسی، جمال الدین (۱۹۹۰م)، شرح التسهیل لابن مالک، تحقیق عبد الرحمن السید و محمد بدوی المختون، ج ۳، ط ۱، جیزه - مصر: هجر.
۵. جمعة، محمود عبدالرزاق (۲۰۱۹م)، عزیز المحرر: دلیلک إلى صیاعة احترافیة، ط ۲، قاهره: بتانة.
۶. خطیب، ظاهر یوسف (۲۰۰۷م)، المعجم المفصل فی الإعراب، تحقیق: یعقوب، امیل، ط ۴، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. شرتونی، رشید (۱۴۲۱هـ)، مبادئ العربیة، تحریر: حمید محمدی، ۵ جلد، چاپ پنجم، قم: دار العلم.
۸. عقیلی، عبد الله (۱۹۸۰م)، شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، دار مصر للطباعة، ط ۲۰، قاهره: دار التراث.
۹. عمر، احمد مختار (۲۰۰۸م)، معجم اللغة العربیة المعاصرة، ۴ جلد، چاپ اول، قاهره: عالم الكتاب.
۱۰. غلابینی، مصطفی (۲۰۰۴م)، جامع الدروس العربیة، بازنگری سالم شمس الدین، چاپ اول، تهران: دار الکوخ.

١١. يعقوب، اميل بديع (١٩٨٨م)، موسوعة النحو والصرف والإعراب، چاپ اول، بيروت: دار العلم للملايين.

فارسی:

١. احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن (١٣٩٠ هـ. ش)، دستور زبان فارسی ١، ویرایش چهارم: چاپ اول، تهران: فاطمی.
٢. امیرخانی، رضا (١٣٩٩ هـ. ش)، من او، چاپ پنجاهم، تهران: افق.
٣. : حجازی، بهجت السادات ؛ و مسعود باقری؛ و ملیحه محمودی کهن (١٣٩٣ هـ. ش)، «نگرشی روان شناختی به رمان «من او»»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره ١١، صص ٥٣-٧٦.
٤. حجازی، بهجت (١٣٩٤ هـ. ش)، «نشانه‌های رئالیسم جادویی در رمان «من او»»، مجله نثر پژوهی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال بیست و دوم، شماره ٣٨، صص ٨١-١٠٤.
٥. دهخدا، علی‌اکبر (١٣٧٣ هـ. ش)، لغت نامه دهخدا، با گروهی از نویسندگان، ١٥ ج، تهران: روزنه.
٦. رسولی، حجت؛ و علیرضا رسول پور (١٣٩٠ هـ. ش)، «بررسی و نقد ترجمه عربی داستان های کوتاه جلال الدین آل احمد (نمونه موردی «پستچی» و «گلدان چینی»»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، سال دوم، شماره ٢، صص ٣١-٥٤.
٧. طبیبیان، حمید (١٣٩١ هـ. ش)، برابره‌های دستوری در عربی و فارسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
٨. عمید، حسن (١٣٨٩ هـ. ش)، فرهنگ عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، چاپ نخست، تهران: اشجع.

۹. غنی، گلرخ سادات؛ و مینا احمدی؛ و منوچهر اکبری (۱۳۹۴ ه. ش)، «تحلیل زیبایی شناختی چند عنصر داستانی در سه رمان رضا امیرخانی (ارمیا، من او، بیوتن)»، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، سال سیزدهم، شماره ۳۷، صص ۵۵-۸۸.
۱۰. فقهی، عبدالحسین و نصیری، حافظ (۱۳۸۹ ه. ش)، «ارزیابی روشمند متون ترجمه شده از عربی به فارسی»، فصلنامه زبان پژوهی، دانشگاه الزهراء(س)، سال اول، شماره ۲، صص ۷۱-۱۰۸.
۱۱. محسن زاده، محمد علی و معصومی، محمد حسن (۱۴۰۰ ه. ش)، الگوهای جمله سازی در زبان عربی، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۱۲. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۷ ه. ش)، شیروانی، علی، غروی، محسن، و فیاضی، غلام رضا، منطق همراه با متن عربی، ۲ ج، قم: دار العلم.
۱۳. مهرآوران، محمود (۱۴۰۰ ه. ش)، سامان سخن، چاپ پنجم، قم: المصطفی(ص).
۱۴. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹ ه. ش)، «بررسی تطبیقی تهدیدهای سه گانه سخت، نیمه سخت و نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۱۵۷-۱۷۷.

انگلیسی:

1. Carter, Ronald & McCarthy, Michael (2006), Cambridge Grammar of English, Cambridge University Press, Cambridge, 1st Edition, England: Cambridge.